

مروری کوتاه بر

رادپوی طنز



● ملکه شاهی زاده
دانشجوی دکتری فلسفه غرب

برای بیان این وضع و حال تناقص آمیز، احتمالاً از صورت های دیگر مناسب تر است.

استغلاي کانتی طنز از داده های برنامه های جدی

کسانی که در مورد مشخصه های جهان مدرن سخن گفته اند، اغلب این نکته را متذکر شده اند که یکی از مؤلفه ها و مشخصه های دنیای به اصطلاح مدرن ما، ظهور **رمان دن کیشوت** است؛ رمانی که سرنوشت طنزآلود مردی را بازمی گوید که در دورانی نو، به جست و جوی دورانی که به چشم همگان از دست رفته می آید، بر یابوی بخت برگشته خود سوار می شود و به جست و جوی آرمان خود می رود.

«در افق جنون، در شکل دیگر نگاه کردن به دنیا، دن کیشوت آزادترین کسان بود. او تجربه آرزومندی انسان را در رسیدن به گذشته آزدست رفته، به راحتی و بی هیچ گونه حالتی نمایشی پذیرفت؛ برعکس این دنیای مدرن بود که به نمایشی مضحک و شرم آور تبدیل شده بود.»
به نظر می رسد که به بیان کشیدن طنزآلود جهان و انسان مدرن،

استفاده از برنامه ها، نمایش نامه ها، اشعار، لطیفه ها و قطعات طنزآمیز در رادیو، سابقه ای به بلندای تاریخ ظهور رادیو در جوامع انسانی دارد. در یک نظر کلی و کلان می توان آن برنامه ها را به چند دسته تقسیم نمود و برای هر کدام از آنها مشخصه هایی را ذکر کرد. سپس می توان با ارجاع به چند برنامه در چند شبکه مختلف، ادعا نمود که همه یا اکثر این برنامه های طنز که از دیرباز در رادیوهای داخلی و خارجی تولید می شده اند، هم اینک نیز ساخته می شوند و کمابیش، مخاطبانی هم برای خود دارند.

اما از آنجا که رادیو، به تعبیر پل تیلیش یک وسیله «تدافعی» است و در همبستگی مستمرش با «زمان» و نیازهای آن کامل می شود، هرگونه برنامه سازی - و خواهیم دید که برنامه های طنز به نحو اخص - در رادیو، درکی از وضع و حال انسانی را در عصری که در آن می زییم (و به اصطلاح، مدرن و گاه پست مدرنش می نامیم) لازم می آورد. چراکه اگر رادیو بخواهد برنامه ای در خور مخاطب عصر و حیرت ها و پیچیدگی ها و باطن پریشان نشده او پدید آورد، علاوه بر درک دهشت ها و سویه های مبهم و ناهمگون سرشت آدمی و زندگی مدرن، باید قالب و صورت مناسبی برای مخاطبان پدید آورد؛ و خواهیم دید که قالب طنز یکی از صوری است که

بر این آموزه مبتنی شده که رسیدن به حقیقت چه به لحاظ نقص انسان و چه به لحاظ آنچه آدمی حقیقت را در آن می جوید، «درواقع کمتر از آنچه او پنداشته حاوی حقیقت بوده است» (پروست، بی تا: ۹۷). و بیان عامیانه به طنز آوردن چنین وضع و حالی این ضرب المثل رایج است که: «کلام از گریه گذشته است؛ بدان می خندم». این سبک و یا بهتر بگوییم این نگرش به رسالت طنز در دنیای معاصر، بازتاب جهان بر خیزاب بلند تمناهای آدمی و بالاتر از آن تغییر و تبدیل شگرفی را بازمی گوید که فعالیت ذهن هنرمند طنزپرداز بر روی خمیرمایه های تجربه یا واقعیات بیرونی می گذارد. اگر بپذیریم که مخاطب رادیو اینک در «ناتمامی ذاتی اکنونی به چنگ نیامدنی جای دارد (شایگان، ۱۳۸۰)، می توانیم طنز را نگرشی تلقی کنیم که می تواند به بهترین شیوه وضع و حال انسانی را بیان کند که در تطبیق با موقعیت جدید زندگی ناموفق است (همان: ۲۶۸). در تقسیم بندی هایی که از سوی پژوهشگران رادیو ارائه شده (چه در داخل و چه در خارج کشور) و انواع مختلف طنزهای رادیویی و مشخصات آنها به اجمال یا تفصیل بیان گشته، توجه به این وجه از کاربرد طنز - که به تناقض آلودگی زندگی کنونی آدمی بپردازد - بسیار نحیف و کم رنگ به نظر می رسد. اما جا دارد که پیش از ارائه بحث به برخی از تقسیم بندی های معمول در طنز رادیویی و نمونه هایی از آنها مروری داشته باشیم.

تقسیم بندی برنامه های طنز بر اساس تلقی از بصری نبودن رادیو^۱

بر اساس بیان محققان، حداقل دو قسم عمده در طنزهای رادیو می توان معین نمود: یک قسم، بصری نبودن یا به اصطلاح کور بودن رادیو را به عنوان مؤلفه ای منفی، و قسم دیگر همان ویژگی را مثبت در نظر می آورند و برنامه های طنز را بر حسب آنها تقسیم نموده و توضیح می دهند.

نوع اول و البته قدیمی تر برنامه های طنز که اندرو کرایسل (۱۳۸۱: ۲۷۱-۲۷۰) تسامحاً نام آن را «تئاتر سنتی» گذاشته است، با این ویژگی تعریف و برجسته می شود که همواره از حاضران و مخاطبان استودیویی تشکیل می شود و دیداری نبودن یا غیربصری بودن را از طریق حضور این مخاطبان در سالن های تفریحی نمایش و موسیقی جبران می کند. این نوع طنز عمدتاً با سرگرمی هایی دیگر، غیر از نمایش، مثل گفتن لطیفه، آواز خواندن، داستان های خنده آور و غیره همراه است. اگرچه گروهی از منتقدان عقیده دارند که حضور این مخاطبان و صدای انفجارگونه خنده های آنها علاوه بر اینکه باعث تصنعی بودن برنامه می شود، این ایراد مهم را هم دارد که معمولاً به مخاطب خارجی توجه چندانی نمی شود و اغلب محور برنامه همان مخاطبان داخل استودیوست. از این رو، مخاطب بیرونی خود را چندان در متن برنامه احساس نمی کند و به حاشیه و سایه فرومی غلتد.

در نوع دوم، که طنز متأخر رادیویی را تشکیل می دهد، تصویری

نبودن، کیفیتی مثبت است و از طریق آن این امکان فراهم می شود که «قدرت تخیل و تصویرسازی شنونده، آزاد و رها شود، به این نحو که هم سرعت اجرای این کمدی ها و هم تدارکات آنها تغییر کند» (همان: ۲۷۷). ماهیت و میدان عمل این نوع جدید برنامه های طنز به نحوی است که فراتر از قسم سنتی قرار دارد. اما این نوع جدید طنز گویا حتی در بهترین شکل اجرای خود نیز چندان موفقیتی به دست نیاورده و همواره تعداد محدودی از مخاطبان را پوشش داده و تا حد زیادی تصنعی به نظر رسیده و نیز ارزش سرگرمی پایینی داشته است. مسئله درخور توجه در مورد این نوع متأخر طنز، تحقیقاتی است که در مورد موسیقی طنز و همراه بودن برنامه های طنز آمیز با موسیقی صورت گرفته است. نتایج بررسی هایی که در مورد موسیقی طنز انجام گرفته، به تقریب نشان داده است که برای هم قالب یا زیرقالب طنز نمودارهایی را می توان ترسیم نمود که برای شناختن برنامه های طنز اطلاعاتی از این دست ارائه می دهد. کدام نوارهای موسیقی تأثیر طنز را قوی تر می کنند، یا فعال تر، شادتر یا مهیج ترند؟

طبقه بندی برنامه های طنز بر حسب ارزش ادبی

در یک تقسیم بندی کلی می توان برنامه های طنز را به دو دسته نظم و نثر تقسیم کرد.

برنامه های طنز منظوم

برنامه های طنز منظوم نیز به دو دسته تقسیم می شوند: دسته نخست اغلب عامیانه، روزمره و فاقد پیغام یا درون مایه مهمی هستند. این برنامه ها، یا صرفاً به صورت شعر قرائت می شوند و یا به صورت ترانه یا تصنیف یا سرودی است که موسیقی و آهنگی روی آنها گذاشته می شود. موسیقی این گونه ترانه های طنز عمدتاً ریتم و ضرباهنگ تندی دارند. این نوع عامیانه طنزها که ارزش محتوایی و ادبی اندک ولی ارزش سرگرمی نسبتاً بالایی دارند، گاهی به صورت تحریف یا جعل یا قرائت نادرست اشعار مشهور شاعران بزرگ هم به ظهور می رسند، مثل: «درد هجری کشیده ام کم پرس» که قرائت طنز مصراع «درد هجری کشیده ام که مپرس» است. اما نوع دیگری از طنزهای منظوم مبتنی بر ادب فارسی بوده و دارای رنگ و بوی تربیتی و یا اشارات و تشبیهات حکیمانه اند که گاهی به صورت برنامه های طنز مستقل و گاه در خلال برنامه های دیگر به اجرا در می آیند، مانند ابیات زیر:

سیر یک روز طعنه زد به پیاز که تو مسکین چقدر بدبویی....
یا:

پیر ما گفت خطا بر قلم صنع نرفت آفرین بر نظر پاک خطا پوشش باد
مرور کوتاهی به برنامه های طنز در رادیو ایران نشان می دهد
که اجرای منظومه ها و اشعار طولانی از شعرای طنزپردازی مثل عبید زاکانی و ... در زمانه ما کم رنگ تر از گذشته است.

برنامه های طنز منثور

طنزهای منثور، از حیث صورت، اغلب به صورت نمایشنامه، لطیفه

یا قطعه‌های طنزآلود، در عرصه رادیو به ظهور رسیده‌اند و از حیث محتوا، گاهی عامیانه، گاه حکیمانه، یا فیلسوفانه و گاهی با درون‌مایه‌های عظیم انتقادی-اجتماعی همراه بوده‌اند (نوع اخیر احتمالاً با اهمیت‌ترین و تأثیرگذارترین نمونه‌های طنز رادیویی است).

طنزهای منشور عامیانه، اغلب تا حدودی سطحی و روزمره است که با برجسته کردن بی‌رویه برخی جنبه‌های فردی یا جمعی زندگی روزمره، موجب خنده و سرگرمی مخاطب می‌شوند (اجرای لطیفه راهم می‌توان در ذیل این نوع طنز قرار داد)؛ ولی درعین حال، به واقعیات و حوادث جمعی و جاری در جامعه هم توجه دارند و توجه می‌دهند.

گروه دیگر، یعنی طنزهای حکیمانه را می‌توانیم طنزهای خفی بنامیم، یعنی طنزهایی که طنزآلود بودن آنها با تأمل و اندیشه حاصل می‌شود و به نکته‌ها و مضامین عمیق حکیمانه، اشاره می‌کنند، مانند این قطعه که در برنامه راه شب اجرا شد:

- ... چی نوشته بود؟

- ... گفتیم که از محمدعلی میرزا ... نه، بدبختی اینجا بود که - گلاب به روتون - محمدعلی میرزا اسهال گرفته بود [خنده حضار]. باور کنین؛ خنده نداره. یه هفته‌ای می‌شد که این آدم برای استراحت، تریاک رو ترک کرده بود و افتاده بود به اسهال و هیچ دارویی هم افاقه نمی‌کرد. تو این حیص‌ویص پدر گزک دستش افتاده بود و از فرصت استفاده کرده بود تا این خبر جانسوز [خنده حضار] رو به اطلاع مردم برسونه ... که دیگه هی متهمش نکنن که اون منورالفکره و اصلاً به فکر سلامت همایونی نیست ...

- چی رو ...؟

- آره مسووده شو دارم. باشه، براتون می‌خونم:

آهالی جان‌نثار و شاه‌دوست تبریز، چون حضرت والا، ولیعهد عظیم‌الشان همایون‌رکاب، جناب محمدعلی میرزا، مریض تشریف دارند و به‌عبارت آخری به اسهال مزمن مبتلا حاصل

یکی از کارکردهای سرگرم‌کننده رادیو، به‌ویژه با تولید برنامه‌های متنوع طنز، این است که به‌طریقی به مخاطب کمک کند تا از جهان واقعی و مشکلات آن بگریزد.



فرموده‌اند [خنده حضار] و آنآ و فآنآ دستی در سفره سلطنتی و دستی دیگر در آفتابه همایونی جم‌شوکت مستراح سلطنتی دارند [خنده حضار] ... فلذا از مردم جان‌نثار و شاه‌دوست تبریز استدعای نوکرانه و تمنای رعیت‌وارانه دارم که علی‌ای حال، دعا به ماتحت ذات ملوکانه را فراموش ننمایید تا این انبساط ناپهنگام کریهه آجلاً و عاجلاً به انقباض دلنواز مسعود و ممدوده مبدل گردد.

و این بار دیگر کاسه صبر ضرغام نظام، رئیس انطباعات ولایت آذربایجان، لبریز شده بود و امر کرده بود پدر رو بگیرن و به سه‌پایه بیندن و مٹ سگ بزین. بعد هم روی آجر داغ نشونده بودنش ... و بعدش هم با هجوم روس‌ها و فرار خانواده‌مون به تهران، پدر که وضع مجلس و سران حدیث رو دید، دیگه دس از نوشتن کشید و با مٹائیه بادکرده و کمر شکسته و کلیه‌های ازکارافتاده، خونه‌نشین شد^۲ ...»

«دیوانه‌ای را گفتند: خدای را می‌شناسی؟ گفت: چگونه او را

شناسم که اوست که بدین روزم انداخته است؟»

اما نوع سوم طنزهای منشور که شاید مهم‌ترین کارکرد را در میان برنامه‌های طنز رادیو دارند به طنزهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مربوط می‌شوند. این نوع برنامه‌های طنز اغلب بسیار کارآمد و پرمخاطب و پردامنه بوده، متوقع اصلاح موارد مورد انتقاد هستند. طنزهای انتقادی وسیله‌ای برای مبارزه، بیان عقاید و افشاگری است و در بسیاری موارد لحن گزنده و نیش‌داری دارد. برای نمونه خلاصه‌ای از طنزی را مرور می‌کنیم که به شرح احوال یک روزنامه‌نگار آزادی‌خواه، از زبان پسرش مربوط می‌شود:

- ... «خب چرا نداره؟ هرکسی باید بالاخره یه کاری رو

انجام بده تا نونش در بیاد؛ نه؟ اونم این کارو انتخاب کرد.

- چی؟

- روزنامه‌چی بود دیگه؛ دزد که نبود [خنده مخاطبان

استودیویی].

ارزش‌های مثبت برنامه‌های طنز

در سال ۱۹۶۶ م کتابی تحت عنوان **سرگرمی جمعی** نوشته پژوهشگری به نام هارولد مندلسون به چاپ رسید. نویسنده در این کتاب در دفاع از رادیو و تلویزیون در برابر این اتهام که برنامه‌هایشان مخرب، بی‌فایده و خلاصه‌اشغال است، استدلال‌هایی را ارائه نموده است که این استدلال‌ها به نحو احصا در مورد برنامه‌های طنز هم صادق است. او در فصل نخست کتاب به مسئله «حمله به سرگرمی» (مک‌فارلند، ۱۳۸۱: ۴۷) می‌پردازد و می‌نویسد که اگر ما بخواهیم در مورد پدیده سرگرمی دانش و ارزیابی دقیقی داشته باشیم باید از طریق رضایت و خرسندی کسب‌شده از سرگرمی توسط توده مردم باشد، نه از طریق فرضیات و مهمل‌بافی‌های نظری. این بحث، عیناً در مورد ارزیابی جایگاه طنز هم، در میان خیل مخاطبان خود تکرار می‌شود و به اینجا می‌انجامد که طنزهای انتقادی، از معدود برنامه‌هایی است که هم تولید و پخش آن نیازمند درآشنایی و نکته‌بینی و بیان نغز و تندوتیز است و هم شنیدن و فهمیدن و تلاش برای اصلاح کژی‌های منعکس شده در آن.

بحث بعدی مندلسون در کتاب **سرگرمی جمعی** به «توصیف کارکردهای جامعه‌شناختی برنامه‌های سرگرمی و طنز» پرداخته و می‌گوید برخلاف آنچه که برخی از جامعه‌شناسان و روان‌شناسان در مورد اثرات و جوانب منفی و سوء برنامه‌های سرگرمی و طنز بیان کرده‌اند، مردم در استفاده از رسانه‌ها برای سرگرمی عملاً سعی دارند از جوانب منفی زندگی روزمره خود بگریزند و به طرف آنچه که زندگی خوب، در پس زندگی هزل‌آلود است سوق پیدا کنند.

تمهیدی برای طنزهای آینده رادیو

اگر استدلال‌ها و ارزیابی‌های مندلسون را در این کتاب به تقریب و به‌طور نسبی درست تلقی کنیم و سرگرم بودن را طنز را راهی به‌سوی خوب زندگی کردن و اعراض از جنبه‌های دردآلود و ناسامان زندگی فردی و جمعی در نظر آوریم، شاید یکی از رسالت‌های طنز رادیویی در زمانه ما، بیان طنز تناقض‌آلودگی روزگار ما و تنبیه دادن به شنونده، برای درک وضعیت انسان جدید باشد که می‌توان گفت شرط نخست چاره‌اندیش برای حل مشکلاتی باشد که بشر در زمانه ما با آن روبه‌روست.

فریود زمانی در نوشته‌ای با عنوان **تمدن و ناخرسندی‌های آن** که پس از جنگ جهانی اول، یعنی در دوره پایان دهه دوم قرن بیستم به رشته تحریر آورده بود، به تعمق درباره پریشانی روانی انسان معاصر که میان دو اصل متناقض سرگردان است، پرداخته است: «تحمل زندگی آن‌گونه که به ما تحمیل می‌شود، بسیار سخت است. ارمغان این زندگی برای ما رنج، ناکامی و وظایف ناممکن

است.» از همین روست که به مسکن نیاز داریم و به سمت جنبه طنزآمیز زندگانی سوق پیدا می‌کنیم. نکته شگفت‌انگیز این است که تأکید فریود بر رنج وجودی انسان، که با طنز و هزل و هجو و ... تسکین پیدا می‌کند، معنایی شبه‌بودایی دارد (شایگان، ۱۳۸۰: ۲۴۳) و این نشان می‌دهد که فریود هم بی‌پایگی زندگی متناهی انسان میرا در دنیایی به اصطلاح «افسون‌زدایی» شده و از «هاله تقدس» بدرآمده را سرچشمه رنج وجودی‌ای می‌داند که سرانجام به ناممکن بودن درک حقیقت ذاتی چیزها سوق پیدا می‌کند: دنیای واقعی، همان دنیایی است که پس از افت و خیز بسیار در هزارتوی ژرف جان برمی‌سازیم و سرتاسر دنیای طنز، بیان لذت (یا رنج!) سهمی شدن در برساختن این دنیای تازه است.

از این رو، در یک جمع‌بندی کلی می‌توان به این نکته اشاره نمود که برنامه‌های طنز، هم به لحاظ انتولوژیک (ontologic) و هم از حیث پیوند با مخاطب، یا بازگو نمودن امری و رای خود، دارای اهمیت هستند. از آن جهت از حیث انتولوژیک اهمیت دارند که گفتیم خود باطن تناقض‌آلوده و پریشان‌کننده دنیای مدرن و انسان مدرن، به مثابه یک طنز در عهد تاریخی ما به ظهور رسیده است. همچنان که در آغاز بحث اشاره شد: «این دنیای مدرن است که به نمایشی مضحک و شرم‌آور تبدیل شده است؛» اما از سوی دیگر و نظر به اینکه مخاطبان رادیو موضوع اصلی تحقیقات فراوانی هستند، اکثریت بر این نکته توافق دارند که یکی از کارکردهای سرگرم‌کننده رادیو، به‌ویژه با تولید برنامه‌های متنوع طنز، این است که به‌طریقی به مخاطب کمک کند تا از جهان واقعی و مشکلات آن بگریزد. برنامه طنز در نسبتش با مخاطب هم موضوع پژوهش‌های گسترده است. در واقع یکی از اهداف برنامه‌سازان این است که با تولید طنزهای رادیویی، وسیله آرامش مخاطب خود را از طریق غوطه‌ور شدن در فضای خنده و شادی فراهم سازند.

بی‌نوشت:

۱. بدیهی است که این تقسیم‌بندی‌ها به حصر عقلی صورت نگرفته و بر اساس اینکه مقسم را چه امری قرار دهیم می‌توان تقسیم‌بندی‌های بدیل عرضه کرد.

۲. شبکه سیلان، رادیو اردبیل، زمستان ۸۲

منابع:

پروست، مارسل (بی‌تا) **گریخته**، ترجمه مهدی سبحانی، تهران: بی‌جا شایگان، داریوش (۱۳۸۰) **افسون‌زدگی جدید، هویت چهل‌تکه و تفکر سیمار**، ترجمه فاطمه و سیانی. تهران: بی‌جا کرایسل، اندرو (۱۳۸۱) **درک رادیو**، ترجمه معصومه عصام، تهران: تحقیق و توسعه صدا مک‌فارلند، دیوید (۱۳۸۱) **راهبردهای برنامه‌سازی برای رادیو**، ترجمه مینو نیکو، تهران: تحقیق و توسعه صدا

